

اشک شعر

(۱۳۵۳ - ۱۳۸۸)

پروانه منصوری

منصوری، پروانه،

اشک شعر (۱۳۵۳ - ۱۳۸۸) / پروانه منصوری. - قم: طلیعه سبز، ۱۳۸۸.

[۱۹۲] ص.

ISBN 978 - 600 - 91561 - 0 - 8 : ۳۰۰۰ تومان

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. ۲. شعر مذهبی - قرن ۱۴. ۳. عاشورا - شعر.

الف. عنوان.

۸ فا ۱/۶۲

الف ۷۹۴ م

PIR ۸۲۲۳ / ۵ الف ۶۴۲

۱۳۸۸

۱۳۸۸

اشک شعر

(۱۳۵۳ - ۱۳۸۸)

نویسنده: پروانه منصوری

مصحح و ویراستار: زهرا صفری

ناشر: طلیعه سبز ۰۹۱۲۷۵۰۶۵۳۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ قدس قم ۷۷۳۱۳۵۴ - ۰۲۵۱

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مؤلف می باشد

فهرست

۱۱		مقدمه مصحح
۱۷		مقدمه
۲۱		با خدا
۲۳		دستِ دعا
۲۴		فریاد سکوت
۲۵		افسانهٔ آه
۲۶		ره توشه
۲۷		عذر تقصیر
۲۸		عقل و عشق
۲۹		خانهٔ دوست
۳۱		نمایش



- ۳۳ آه سحر
 ۳۴ راه عشق
 ۳۵ چشم امید
 ۳۸ سایه غم
 ۳۹ راز هستی
 ۴۱ ملکوت تکلم
 ۴۳ بحر بخشایش
 ۴۴ تارهایی
 ۴۵ شور شیرین
 ۴۷ محنت آباد
 ۴۸ صدای پای غم
 ۵۰ دست نیاز
 ۵۱ تازیانه
 ۵۳ تنهایی
 ۵۵ دنیا
 ۵۷ دفتر دوران
 ۵۸ هنوز تا پریشانی
 ۵۹ با معصومان پاک
 ۶۱ مدح چهارده معصوم



۶۳	دریادر غدیر.....
۶۵	سجاده گلگون.....
۶۶	شراب عفو.....
۶۷	یاس کیود.....
۶۸	شرح فراق.....
۷۰	چشم تماشا.....
۷۱	فریاد جان.....
۷۲	زنگ دل تنگی.....
۷۴	حُسن حَسَن ﷺ.....
۷۵	اندوه سبز.....
۷۷	بهار در بهار.....
۷۸	درد مَذاب.....
۸۰	باغ رضوان.....
۸۱	ساحل سعادت.....
۸۲	زیارت خورشید.....
۸۴	شمع جمع.....
۸۵	بیعت با آفتاب.....
۸۷	ناگهان بهار.....
۸۹	آرزو.....
۹۱	عبور معطر.....
۹۲	هوای تازه.....



- ۹۳..... داغ همجران
- ۹۴..... لحظه دیدار
- ۹۵..... سرود سپیده
- ۹۶..... در آستان جانان
- ۹۸..... تا آسمان
- ۹۹..... عطرِ نرگس
- ۱۰۱..... شغریهای عاشورایی
- ۱۰۳..... شرح عشق
- ۱۰۵..... در گلستانه
- ۱۰۶..... خطبه خون
- ۱۰۹..... مرثیه روح
- ۱۱۰..... فروغ جاوید
- ۱۱۲..... چه بنویسیم؟
- ۱۱۳..... ماه ماتم
- ۱۱۴..... با کاروان اسیران
- ۱۱۶..... زخم کهنه
- ۱۱۷..... گفت وگویی خواهر با برادر
- ۱۱۹..... نوحه
- ۱۲۰..... سایه شب
- ۱۲۲..... ارتفاع بی سر



- ۱۲۳..... مَرَدِ میدان
- ۱۲۴..... یادگار محمد علیه السلام
- ۱۲۵..... لاله باغ حسین علیه السلام
- ۱۲۶..... گلوی عطش
- ۱۲۹..... کتاب خون
- ۱۳۰..... قصه غم
- ۱۳۱..... زیارت آفتاب
- ۱۳۴..... اندیشه توفانی
- ۱۳۶..... اسطوره درد
- ۱۳۹..... بوسه تیغ
- ۱۴۲..... سماع شوریده
- ۱۴۴..... حجله گل
- ۱۴۶..... کربلا
- ۱۴۷..... منظومه عاشقانه
- ۱۴۹..... سرزمین عشق
- ۱۵۱..... ناله جانسوز
- ۱۵۳..... حماسه آفرینان بزرگ
- ۱۵۵..... امام خمینی
- ۱۵۶..... غزل زخمی
- ۱۵۷..... مرغ خوش خوان چمن (امام خمینی)



- ۱۵۸ پیر جماران
 ۱۵۹ جانِ جهان
 ۱۶۰ زیارت دریا
 ۱۶۱ مدرسه عشق
 ۱۶۳ فلسطین
 ۱۶۴ شکوه اشک
 ۱۶۵ بزم قُرب
 ۱۶۷ دفتر رباعی‌ها



مقدمه مصحح

شعر، رودی خروشان است که بی گمان از فرات «شعور» سرچشمه می گیرد و آن گاه که با «حال» و «حماسه» در می آمیزد، و از سر «درد» بر می خیزد، رنگ جاودانگی می پذیرد.

از همین روی، چنین شعری را، از قدیم ترین پدیده های تمدن بشر، عنصر اصلی ادبیات بر شمرده اند.

دفتر «پروانه» را که ورق بزنی، بیت هایی بی پیرایه می یابی، که از «خدا» و نیایش با او حکایت ها دارد:

ساقیا! جامی بده تا چشم دل بینا کنم
شاید از لطف ره گم کرده را پیدا کنم

یا:

عمری است که دل از همه آفاق بُریدم
عاشق شدم و جز رخ ماه تو ندیدم



یا :

گفتم: دلم گرفته ، گفתי که : واکنم من

گفتم که : درد مندم ، گفתי ، دواکنم من

او می‌کوشد از «مَثَل» ها نیز در اشعارش بهره گیرد؛ زیرا خوب می‌داند

که «مَثَل» نشان دهندهٔ روحیات و اندیشه‌های یک جامعه ، و سرشار از

زیبایی و غناست:

مرا چون خوانِ نعمت گستراندی نمک خودم، نمکدانت شکستم

البته بی تردید، چارچوب فکری و عقیدتی سراینده بر پایهٔ آموزه‌های

اسلامی و به تبع آیات قرآن عزیز، بنا شده است:

درِ نعمت به رویم باز کردی من دیوانه با کفران بیستم

که یادآور برخی آیات قرآن ، از جمله آیه هفتم سورهٔ ابراهیم

است: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

لَشَدِيدٌ﴾.

یا

تو گفתי نا امیدی کفر باشد به لطف سینه محکم دارم امشب

و خداوند حکیم، همواره در آیات عزیزش آدمی را از نا امیدی از

رحمتش بر حذر می‌دارد: ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾^۱.

البته تأثیر پذیری شاعر از اشعار شاعران پیشین و معاصر، نا گفته

آشکار است:

جمال آفتاب هر نظری ز «هجر» ت، عاشقان را دیده تری
«حافظ»

جمال آفتاب هر نظر بیاد ز خوبی، روی خویت خوب تر باد
یا:

عزیزان! کوهی از غم دارم امشب
«کمر از بار غم، خم دارم امشب»

که جان و دل آدمی را به حال و هوای طراوت بخش سرزمین سبز سلمان
هراتی و دوییتی هایش پیوند می دهد:

دل تنه است، ماتم دارم امشب دلی سرشار از غم دارم امشب
غم آمد، غصه آمد، ماتم آمد خدا را این میان کم دارم امشب^۱
هر چند مصراع دوم، وامی از «محمد عزیزی» است:

دو چشم خفته در غم دارم امشب
دلی لب ریز ماتم دارم امشب
شنیدم چشم نا محرم تو را دید

کمر بار غم، خم دارم امشب^۲
اینک خود بنگرید:

آدم بهر چه و رفتم از بهر چه هست
من که یک عمر در این غفلت و عصیان هستم

۱. مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، ص ۱۷۸.

۲. صدای نرم باران، ص ۱۶۶.



یا:

خُرَم آن دردی که درمانش تویی

خوش دل آن جانی که جانانش تویی

در پاورقی‌های مربوط، به برخی اشعار، اشارتی کرده‌ایم و هرگز به دنبال «توارد» نبوده‌ایم. باشد که سروده‌های «پروانه» نیز بر شعرِ معاصر و پسینیان تأثیر گذارد.

اما حجم گسترده‌ای از سروده‌های این دفتر «عاشورایی‌ها» است، که شاعر فقط برای جلب رضای حق، دل مشغولی‌هایش را در قالب شعر به جامعه ارائه داده و کمترین توجهی به نرخ روز در بازار فضل فروشی نداشته است.

«پروانه» از سراب و سوسه‌انگیز از دحام و ازگان رنگ آمیزی شده و سوپر لوکس! دوریه جُسته، و با کلمات الله: شهادت، فرات، عطش، مُحَرَّم، علمداری و... به جُست و جوی «آب حیات» رفته است، و با ماتم می‌سراید:

خسته دلان! ماه مُحَرَّم رسید گاه غم و گریه و ماتم رسید

عرش، سیه پوش شده در عزا خون ز هلالِ مه عالم چکید

یا:

قلم بر دست و حیرانم، کزان بی سر، چه بنویسم

از آن باغ خزان دیده، گل پَرپر، چه بنویسم

کمی از آن گل پژمرده در گهواره باید گفت

و گرنه از گلولی نازک اصغر، چه بنویسم



فصلی دیگر از سروده‌های او نیز در «با معصومان پاک» نام دارد، که یکی از موضوعات شعر امروز، یعنی مدح و ستایش امامان معصوم علیهم‌السلام است. چنین شعرهایی، حال و هوایی آیینی دارند و شاعر در آنها به پیشوایان دینی، ابراز ارادت می‌کند.

ترکیب‌های اشعاری چنین، عموماً همراه عناصر مدحی، عاشقانه و گاه حماسی اند. سراینده نیز معمولاً فقط به اظهار عشق و ارادت، بسنده نمی‌کند، بلکه شکواها و دردهای روزگار خود را در میان می‌نهد.

«پروانه»، «خطبه خون» را چنین می‌آغازد:

حسین! ای آبروی روز محشر! حسین! ای زاده دخت پنبهر
تویی روح بلند استقامت تویی استاد ایثار و شهامت
یا:

از غم دل، خسته روانم علی علیه‌السلام! رفته زن، تاب و توانم علی علیه‌السلام!
بس که زَنَد، دم به دم، آتش به جان سوخته شد خرمن جانم علی علیه‌السلام
و «زنگ دل تنگی» برای اندوه هماره شیعه:

مظهر عشق و صفای فاطمه علیها‌السلام کوکب دشت ولایی فاطمه علیها‌السلام
باغ سبز خاتم مرسل تویی بوستان لاله‌هایی فاطمه علیها‌السلام
و برای او که می‌آید و عشق و مهربانی را می‌سراید:

من تو را با جان خریدارم، چرا دوری ز من؟
هم تو را مشتاق دیدارم، چرا دوری ز من؟



و در واپسین بیتِ غزل خویش، چنین هشدار می‌دهد که باید لایق انتظار شد:

من نی‌ام شایسته این انتظارِ دل‌نواز
آه! اما دوست دارم، چرا دوری زمین؟

به هر تقدیر، «اشک شعر» دفترِ عاشورایی است، که سراینده، آن را به آستان مقدس آقا امام حسین علیه السلام تقدیم کرده است. باشد که خدا بپذیرد و سرورش بهنگام، دستش گیرد.

این دفتر، در شش فصل، سامان یافته، و حاوی سروده‌ها و نوحه‌های «پروانه» از سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۸ است. بی تردید، سروده‌ها نیازمند اصلاحاتی بود، همراه با حذف برخی اشعار و احیاناً ابیات و... عنوان‌هایی نیز بر آن‌ها نهادم، تا کتاب یک دست شود. و... دگرگونی‌هایی، که امید است در پهنه دل‌های زندگی‌جوی، شوری آفرینند و عرصه را برای ابراز ارادت- آن اندازه که بایسته و میسر است- فراهم سازد.

زهره صفری

دبیر انجمن ادبی باران